



دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۷۱
شبه ۲۲ ۱۳۵۹ هـ مطابق با
مجموع ۱۳۰۱ ، بها : ۱۵ ريال

توجه از جبهه جنگ نباید منحرف شود

مطوبات ما باید مواظب باشد
افغان عمومی از مسائل جنگ
په مسائل فرعی منحرف نشود

(از گفته‌های امام‌خسینی در دیدار
با مسئول ستاد تبلیغاتی شورای
عالی دفاع)

مبارزات سیاسی - اجتماعی خیلی
شبهه به مبارزه در جبهه جنگ است.
در جنگ وقتی یکنای برای تصرف
موضعی از دشمن، دست آن موضع
می‌زدند و پیش می‌روند، دشمن از پهلو
آن را زیر آتش میگیرد، تا یکنای جنگ
این آتش شود و دست پیشروی خود را
تغییر دهد. فراموشی و سربران این یگان
اگر آژوده و کار کشته باشند، جنگ
این آتش پهلوئی نمیشود، قلب حرکت
را کم نمیکند، به حرکت خود بسوی
موضعی که می‌بایستی تصرف کنند، پیش
میروند و دشمن این پیشروی بسوی
هدف اصلی، فقط نیروی کسری را برای
چینش کردن آتش پهلوئی مصرف می‌کند.
کنند، آنهم برای تأمین امنیت از پهلو
جبهه انجام ماموریت اصلی، که تصرف
موضع دشمن است.

راه صدام، راه جلادان تاریخ است...

با پناخ درغلبدین بیکر هر
ایرانی دلآوری که در دفاع از
انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
جان می‌بازد، رژیم جنایت پیشه
صدام گام دیگری در غرقاب
خیانت و جنایت بر میدارد و جای
خود را در زباله‌دان تاریخ بیشتر
از پیشتر در کنار جلادان چون
فداه شاهان، «میتلر»، «میتوشه»،
دوان تیوه و... استوار می‌کند.
راهی که صدام می‌رود، همان
راهی است که جلادان تاریخ، از
اسکندر و چنگیز، تا هیتلر و
پیتوشه و محمدرضا پیوه‌مانند،
پیشه در صفحه ۷

حجت الاسلام خامنه‌ای:

شیطان بزرگ آمریکا، اروپا و شیطان‌های متوسط و کوچک دیگر کمر به قلع و قمع جمهوری اسلامی و خط امام بسته‌اند

ب دولت فرانسه به دشمن ما کمک می‌کند و دولت‌های مرتجع
منطقه، بعضی علنا بعضی درخفا پلما خیانت می‌کنند.
روحانیت در فرماندهی جنگ دخالت ندارند، حتی شورای
عالی دفاع هم تمییز به ارتش فرماندهی نمی‌کنند.
آنتانی که منتظر بودند جمهوری اسلامی نشیمنی خاموش
پشود و از بین برود، خودشان خاموش می‌شوند و اثری از آنها
باقی نمی‌ماند.

اسلامی و خط قرآن و خط
امام‌ستاد، بسیاری کسانی که
می‌گویند تکبیره فروید، شما
خسینید اما این ملت نخواهد
قایت کند فرزند حسین است.
دنیالره راه حسین است.
من به امام است بعنوان یک مبارز
مرض می‌کنم، ای امام بزرگوار
روی این ملت حساب کنید این
ملت، ملت فداکاریست.
وی از خود دورست است امروز
اروپا هم در کنار آمریکاست،
دولت فرانسه به دشمن ما کمک
می‌کند، دولت‌های مرتجع منطقه
بعضی علنا بعضی درخفا پلما
خیانت می‌کنند، اما پادشاه که
دشمن در حال ذوب شدن است.
حجت‌الاسلام خامنه‌ای در قسمت
دیگری از خطبه‌های نماز جمعه
گفت: «می‌باید دشمن یا افرادی که
نمی‌دانند و ناگناخانه دشمنی
می‌کنند در ذهن بعضی از افراد
بی‌خبر و بی‌اطلاع تزیق کنند که
چرا جوانان ما در میدان کشته
می‌شوند، وقتی اسان دنبال یک
ایده و آرمانی حرکت نمی‌کنند
زحمت هم نمی‌خواهد بکشند، تلاش
هم ندارد، فداکاری هم نمی‌خواهد
پیشه در صفحه ۷

طبق سند مهم لانه جاسوسی امریکادر تهران، که توسط روزنامه تشریح چاپ شد

ایجاد جنگ میان ایران و عراق از جمله آخرین طرح‌های امپریالیسم امریکا بمنظور براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده است

روزنامه معتبر تشریح، چاپ
دیشق در شماره مورخ ۲۱ آبان
ماه ۵۹ خود، فتوحی یکی از
استاد مهم پست آمده از لانه
جاسوسی امریکا در تهران را
کلیشه کرده، که در آن نوشته
های دانشمند امپریالیسم امریکا
بمنظور سرنگونی جمهوری اسلامی
ایران طرح و تشریح شده‌است.
در این سند، که خبرگزاری
پارس مشمن آنرا منتشر کرده
است، «ایجاد جنگ میان ایران
و همسایگان آن که اختلافات
مرزی دارند» بعنوان یکی از
آخرین طرح‌ها برای ساقط
کردن جمهوری اسلامی ایران
پیش‌بینی شده است.
در این سند، که در پاسخ
نامه محرمانه قسمت سیاسی
وزارت امورخارجه آمریکامورخ
خرداد ۵۸ تهیه شده و تاریخ
تیرماه ۵۸ (۴ ماه قبل از فتح
لانه جاسوسی امریکا) را بر خود
نار و چسبیدن بار عبارتی
«بسیار مهم»، «خیلی سری»
و «بسیار مهم و حساس» بر آن
نقش بسته است، طسرح‌های
زنجیره‌ای و گسترده چابکاران
امپریالیست آمریکایی برای انجام
قلم انقلاب ایران، برشمرده
شده است.
در سند آمده است که:
پن‌گتون و همسایگه نظریات

مدافعان انقلاب، دشمن را از اطراف آبادان به عقب راندند

ب پادگان بویان، پادگان حلبچه، تأسیسات نفتی فو و گمرک
صفوان و پندر فوالقصر مورد حمله نیروی هوایی ارتش
جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند
ب یک میگ عراقی در پوشش سرنگون شد

جنگ میان نیروهای مسلح
مدافع جمهوری اسلامی ایران با
شجاوزین صدامی، به شدت ادامه
دارد و نیروهای انقلاب موفقیت
هایی به دست آورده‌اند، از جمله
ستاد عملیات سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی اهواز، اعلام
کرده است که:
مدافعان انقلاب روز چهارشنبه
در جنوب اهواز در یک عملیات
هماهنگ در منطقه دپ حران،
۴ تانک و یک خودروی دشمن را
سند کردند.
ستاد مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره
۲۸۵ خود، عملیات نیروهای مسلح
جمهوری اسلامی ایران را طی
روز چهارشنبه ۲۲ صبح روز
پنجشنبه در داخل خاک عراق علیه
شجاوزین یعنی چنین برشمرده
است:
۱- انهدام بیش از ۹۰ درصد
سایت استراک سمع پنجون در
شمال شرق عراق،
۲- حمله به پادگان بویان در
شمال شرق عراق و نابود کردن
پیشه در صفحه ۷

لیبرال‌ها از کدام «آزادی» دفاع می‌کنند؟

در این روزها لیبرال‌ها -
نابندگان بورژوازی لیبرال ایران -
که تقریباً بلافاصله بعد از سقوط
رژیم استبدادی «آریامریم» سه
سه بار به ۹ بار از انقلاب
چکیده شده، بیشتر از هر وقت
دیگر «آزادی» خوانده‌اند و زیر
پرچم «آزادی» به مبارزه
برخاسته‌اند.
این کدام «آزادی» است که
آنها میخواهند «آزادی» از قید
وابستگی، یا آزادی برای حفظ
وابستگی، آزادی مستضعفان از
ستم مستکبران، یا آزادی
مستکبران به ادامه استکبری بر
مستضعفان آزادی زحمتکاران
شهر و ده از قید استثمار یا
آزادی کلان سرمایه‌داران و کلان
زمین‌داران به ادامه استثمار زحمت
کشان آزادی بیان و مقیده و
قلم و احزاب سیاسی برای همه
اقتدار اجتماعی و انقلابی، یافتل
برای خودشان آزادی برای
شرکت نمایندگان تمام طبقات
ضد امپریالیست جامعه در حکومت،
یا آزادی برای تصرف انحصاری
حکومت توسط بورژوازی آزادی
برای مبارزات عقیدتی و ایدئولوژی
پیشه در صفحه ۲

خلبان جوان ایرانی:

ما با مردم عراق نمی‌جنگیم و هرگز نقاط مسکونی شهرها را بمباران نخواهیم کرد

• افکار عمومی مردم ساده اروپای غربی بر اثر تجاوز
عراق به ایران، بطور چشمگیری بسود ایران تغییر یافته است
(از گفتگو با دو خبرنگار اروپایی)

واقعیت بر «سوعظن» ناشی از تبلیغات امپریالیستی چیره خواهد شد

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

درباره جنبش مقاومت فلسطین (۲)

جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در سوم اسفند سال ۱۳۴۸، پس از انتخاب برخی ارسنیکدازان آن از جنبش خلق برای آزادی فلسطین، تأسیس یافت. این جنبه، که دارای سمبلیسم مارکسیستی است، از جمله سازمانهای فلسطینی است، که برای مبارزه توده‌ای سیاسی در مناطق اشغالی و دریاختر فعالیت‌های گوناگون اهمیت فراوان قائل است.

جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، در سازمان آزادیبخش فلسطین، به رهبری یاسر عرفات، و در ارگان‌های رهبری آن: کمیته اجرایی، شورای مرکزی و شورای ملی، مصوبت دارد. جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، در چارچوب مصوبات سازمان آزادیبخش فلسطین، به مناره، سنایی، ظامی برای بیشتر حقوق فلسطینی خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل یک کشور مستقل ملی، مسئول است.

برنامه جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین هدف استراتژیک این سازمان را ایجاد جامعه سوسیالیستی در جنبش کوری عبس می‌کند.

جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین با احزاب کمونیست منطقه حاوریه و مناطق عرب‌نویسی - دمکراتیک اسرائیل دارای سیاست‌های نزدیک و برادرانه است و در زمینه سیاست خارجی برای دوسوی خلق فلسطین با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اهمیت استراتژیک قائل است.

دمکرک جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، پایه خوانده است، که اسرائیل این سازمان را کمون، سم نامیده است.

نایف خوانده بارها تاکید کرده است که برای روبرویی با اسرائیل دست‌های اسرائیلی در خاور نزدیک، لازم است که سبوت میان سازمان آزادیبخش فلسطین و جنبش ملی - سوسیالیستی گسترش یابد و جنبه یادگیری عرب هر چه بیشتر حکم پذیرد.

جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین طالب است که ناحض بوده ایران مناسبات دوسانه دارد. هیئت نمایندگی حزب ما در اسفندماه گذشته، در مراسم یادگاری سالگرد جنبه دمکراتیک، در بیروت و دمشق شرکت جست و با استقبال پرشور مردم فلسطین روبرو شد.

در ریزش‌های از اظهارات اخیر نایف خوانده دمکرک جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین درباره اهم مسائل جنبش مقاومت فلسطین از نظر خوانندگان می‌گذرد:

درباره مبنی عدوی سازمان آزادیبخش فلسطین

می‌داند که ما یک مرحله آزادی ملی (اعلای فلسطین) را می‌گذرانیم. منظره مرکزی بکار ما است که آوارگان فلسطینی به سرزمین‌هایی که از آنها رانده شده‌اند، بازگردند. در آن‌روز، باید خلق فلسطین این حق را بیابد که درباره سرنوشت خویش تصمیم گیرد. فلسطینی‌ها باید در راه این حق بزرگند که در سرزمین خود به بنیانگذاری حکومتی مستقل دست‌نبرند. لازم است که طبقات و قشرهای گوناگون فلسطین در جنبه‌های متحد تشکیل یابند.

باید مسائل و مشکلات فرعی را کنار گذاشت و لیه نیز مبارزه را منوجه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم ایالات متحده، اسرائیل و سیاست صهیونیستی - گسترش طلبانه آن و ارتجاع برخی از کشورهای عربی ساخت. برای پیشبرد هدفهای مشترک - برنامه سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین - مبارزه مکتم، زیرا که تشکیل سازمان آزادیبخش فلسطین، کامیاب بزرگی در راه تشکیل جنبه‌های واحد، مرکب از همه نیروهای خلق فلسطین، بوده است. این سازمان بنیانه انقلاب ملی

واقعیت بر «سوءظن» ناشی از تبلیغات امپریالیستی چیره خواهد شد

چند روز پیش، خبرنگاری ناس - خبرنگاری رسمی اتحاد شوروی، خبری را مبنی بر این که گویا کارشناسان شوروی در عملیات نظامی عراق شرکت دارند، دروغ محض اعلام کرد و آن را به شدت تکذیب نمود. این خبر را تا نرفته پیدا است - دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی اختراع کرده بود. و متأسفانه پاره‌ای از رسانه‌های خبری ایران نیز آن را نقل کرده بودند. چند روز پیش نیز - چنان‌گویی دانیم - خبر دیگری در دستگاه جعل اخبار تبلیغاتی امپریالیستی - صهیونیستی ساخته و پوسخت پختی و به رنگ‌های مختلف آشامه داده شد، مبنی بر این که گویا شوروی از خلیج عقبه در اردن، اسلحه به عراق می‌فرستد. این خبر نیز از سوی خبرنگاری ناس - رسماً و به شدت تکذیب شد.

بخطار داریم که سناریوی معروف به «تبریز - مکزیک» که متأسفانه به هدف اصابت کرد و مسجر به تسلیم باد داشت، اعتراضی از سوی وزارت خارجه به دولت شوروی شد، مبنی بر آنکه پایه‌ساختگی بود؛ یکی جعل سندی با مهر مجلسی، که در تبریز بوسیله مأموران آنها پخش شد (بعدها قاضی فایز و آنتا شد) و دیگری جعل خبری توسط خبرنگاری فرانس برین، که طبق آن گویا کاردار مسوروی در مکزیکو سخنانی مداخله‌گرانه در امر داخلی اسرائیل گفته است، که این خبر مجلسی نیز از طرف ناس - خبرنگاری رسمی اتحاد شوروی - مستکذیب شد.

چرا چنین اخباری - از سوی دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی - صهیونیستی جعل و پخش می‌شود؟ پاسخ روشن است. و این پاسخ را در دستورالعمل رهبری جمهوری آمریکا، که توسط بزرگترین بهورارت خارجه آمریکا ابلاغ شده و متن آن در ۱۵ مرداد سال گذشته توسط رهبران جمهوری اسلامی ایران ماس و در مطبوعات کشورهایمان درج شد، می‌توان یافت.

در این دستورالعمل، گویا بایستی مبادا آنرا وزارت خارجه آمریکا، وزارت جنگ آمریکا سازمان سیا - سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا، در هم‌آهنگی باید یکدیگر اجرا کنند، ترویج شده بود که باید «سوءظن» موجود بین صهیونیستی اسلامی ایران و همسایگان آن، به سویه اقتصاد شوروی و حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران داد، زیرا پاپان حمایت شوروی از رژیم صهیونیستی باعث تضعیف مواضع خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و این را ضروری خواهد ساخت.

بنابراین هدف از جعل اخباری «کسمه نمونه شمش رسا تکذیب پده آنها را تذکر کردیم. هدف سیاسی شخصی است، پاپاسان دادن به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران! باید اذعان کرد که «شیطان بزرگ» که فتنه انگیزی را خوب بلد است، می‌داند که همسایه بزرگ شمالی ما، نیرومندترین حامی انقلاب رهائی بخش ضد امپریالیستی اسرائیل است، می‌داند که اگر بتواند جمهوری اسلامی ایران را از این حمایت محروم کند، کام بزرگی در راه دستیابی به هدف خود - ایجاد شرایط برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برداشته است.

و نیز باید اذعان کرد که متأسفانه مسوران «سوءظن» موجود نسبت به اتحاد شوروی گنسه

بنابراین تبلیغات امپریالیستی طی چندین دهسال در متن جامعه ما بوجود آورده است، در جامعه ما باقیست، واقعیت این «سوءظن» موجود از زمینه مساعیدی است که اخبار جعلی - از نوعی که به تدریج - و به طور کلی تبلیغات ضد شوروی در جهت ایجاد تفرقه در رابطه جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی، می‌تواند حتی در برخی محافل انقلابی راستین کشور ما اثر بگذارد.

در اینجا لازم است به این نکته هم اشاره کنیم که هرگز است پس آن عناصری که عالمسا و ما را تبلیغات ضد شوروی امپریالیستی را در کشور ما، به قصد مناسبت از گسترش روابط دوسانه بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دوست و همسایان صدیق آن، بویژه اتحاد شوروی، به قصد اجراء خط بزرگ ناسی - برای ایجاد تفرقه روابط بین خط بزرگ ناسی - به قصد تضعیف مواضع خارجی رژیم صهیونیستی، متغلی می‌کنند در واقع آن می‌گویند، با آن عناصر انقلابی راستین امپریالیستی و استقلال طلب، که خواهانسته، به دلیل «سوءظن» هنوز موجود، که قلب اجبار جعلی امپریالیستی - صهیونیستی ضد شوروی را همچون سگه بندید بریند، اگر واقع بینانه چنین فرقی مهمی را در نظر نگیریم، آنگاه در حل این «مسئله» دچار شکست خواهیم شد که، چرا هنوز اخبار جعلی و تبلیغات مسوم ضد شوروی امپریالیستی در ایران ما، که انقلاب ضد امپریالیستی (استقلال طلبانه) و خلقی (به سوی دموکراسی) خود را به پیروزی رسانده، به فقط «روشنه»، بلکه «خبردار» دارد.

ولی واقعیت سرخست باز ذهنیات است، و می‌توان اطمینان داشت که به تدریج واقعیت دوستی اتحاد شوروی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پندارهائی ذهنی ناشی از «سوءظن» موجود را بر طرف راست و به تمام طبقات نیروهای راستین انقلابی ایران می‌تاباند که اتحاد شوروی دوست خلق ما و همسایه‌های جهان است.

این واقعیت را خلق‌های بسیاری از کشورهای ره‌ارسطه‌ساز تکرار امپریالیسم، ملی‌رغم تبلیغات زهر آگین امپریالیستی - صهیونیستی، به تجربه شناخته‌اند، از جمله کشورهای مسلمان نظیر الجزایر، سوریه، لیبی، یمن دمکراتیک و جنبش آزادیبخش فلسطین که با قدرت در برابر امپریالیسم ایستاده‌اند و به جنبه یادگیری در برابر امپریالیسم و صهیونیسم معروفند.

در همه این کشورها، از جمله کشورهای مسلمان جنبه یادگیری، به هنگام و در آغاز پیروزی انقلاب رهائی بخش و استقلال طلبانه، استناد «سوءظن» ناشی از تبلیغات دراز مدت امپریالیستی نسبت به اتحاد شوروی «موجود» بوده است، ولی آنها به تدریج و طی نیرد امپریالیسم و صهیونیسم به تجربه دریافته‌اند که اتحاد شوروی، به بر مبنای سیاست اصولی و تعیین‌ناپذیر خود، دوست و حامی صدیق و بی‌طرفی آنها در مبارزه ضد امپریالیستی برای قطع هرگونه وابستگی و تأمین استقلال کامل و واقعی آنهاست.

می‌توان اطمینان داشت که در کشور ما نیز، آن نیروهای راستین انقلابی که به دست امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا، را دست‌بسی اصلی و همیشگی انقلاب و استقلال واقعی جمهوری اسلامی ایران شناخته‌اند، به تجربه دریافته‌اند، بافت که اتحاد شوروی پشتیبان متعهد انقلاب و استقلال واقعی و کامل خلق و کشور ما و همه دیگر خلق‌ها و کشورهای جهان است.



تمام فراردهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

اخبار کارگری

کارگران کوره‌های آجرپزی کرمان: ما به پیروزی بر آمریکا ایمان داریم

اطراف شهر کرمان را صدها کوره آجرپزی فراگرفته است و هزاران کارگر در شرایطی جنسی در آنجا مشغول کار هستند. در شمال شهر، در کارگاه‌های تعطیل شده و متروک، کوره‌هایی نیز وجود دارند که مشغول کارند و همه روزه با زرد زهرآلود خود را بر روی شهر می‌پاشند.

کوره آجرپزی ایرانمنش، که در میان خانم‌های مسکونی قرار گرفته، یکی از آنهاست. این کوره در حال حاضر حدود ۲۰ کارگر دارد و روزانه حدود ۲۵ هزار آجر تولید می‌کند. درجه بهره‌کشی با نرخ اضافه‌ارزش در اینجا حدود ۲۰۰ درصد است. یعنی کارفرما دو برابر می‌جوید دستمزد کارگران در آمد ندارد. (هر روز آجر ۲۲۰ تومان به فروش می‌رسد، در حالی که برای تولید آن مجموعاً کمتر از صد تومان به کارگران پرداخت می‌شود).

کارگران گشت زن، که الان تقریباً فصل کارشان تمام شده است، کثرتانی کاری می‌کنند و برای تولید هر هزار گشت ۷۰ تومان می‌گیرند. هر کارگر روزانه (از طلوع تا غروب آفتاب) حداکثر ۱۵۰ گشت می‌زند. کارگران دیگر روز مزد هستند و اکثراً حدود ۵-۷ تومان دستمزد دریافت می‌کنند.

بهرمردی که ۲۵ سال در کوره‌ها کار کرده، درازا به یک روز کار ۸۰ تومان می‌گیرد و کار او با زردن ماشین است. سه هکتار دیگر او ۷۰ تومان دستمزد دارند. هر یک از این چهارتن در هر ماه ۱۰۰۰ عدد آجر با می‌زنند و روزانه این عمل را ۸-۱۰ بار تکرار می‌کنند.

هیچ یک از مزایای قانونی به کارگران داده نمی‌شود. آنها حتی از داشتن یک جفت دستکش که برای آنها بسیار ضروری است محرومند و به این دلیل در حقیقت آنها کارآمراه‌ها شکجه انجام می‌دهند.

نیمه چینه‌ها هم در این کوره خشک‌ها را با الاغ به کوره حمل می‌کنند.

در نزدیکی کوره ایرانمنش، ۲ کوره دیگر وجود دارد، که یکی را کوره طباطبایی و دیگری را کوره تقی‌زاده می‌گویند. در کوره تقی‌زاده حدود ۳۰ کارگر کاری می‌کنند، که ۷ تن از آنها به خستنی می‌شوند. ۲ نفر آنها کوره‌سوز هستند و بقیه مشغول حمل خشت به کوره، خارج کردن آجر از کوره و بار زدن آن به ماشینها هستند. چند پاکستانی هم در این کوره کاری می‌کنند. بیشتر کارگران روزمزد روزانه ۸۰-۷۰ تومان مزد می‌گیرند.

بهرمردی ۶۰ ساله، درازای کار از طلوع تا غروب آفتاب در چندین کوره‌ها، روزانه ۶۵ تومان می‌گیرد. او برای این که نشان دهد که سوخت کوره را چگونه در داخل آن می‌ریزد، درسوراهی کار با زردن و ناکیان دودی غلیظ از آن می‌سوزد. جیبش ولی این امر برای بهره‌بردار نیست، زیرا او همیشه این دود غلیظ را به جای هوا تنفس می‌کند. در مورد مزایای قانونی از او می‌پرسیم. از جوابش معلوم شد که قانون را راهی به این جنگل جنسی نیست.

بهرمرد سخت دلخواه است که نمی‌تواند به جبهه جنگ با عراق برود و در جواب استدلال همکارش می‌گوید:

"بالاخره در جبهه به یک دردی می‌خورم و کاری پیدا می‌شود که من انجام دهم."

او به پیروزی بر عراق و آمریکا مطمئن است. همکار او (کارگر دیگر کوره سوز) که جوابش حدود ۲۲-۲۰ ساله، ۸۵ تومان در روز دستمزد می‌گیرد و دفترچه بیمه هم دارد (او از حدود کارگران کوره‌پزخانه است که دستمزد بیمه دارد) ولی از مزایای قانونی دیگر نظیر اضافه‌کار دستمزد ایام تعطیل، برخصی سالیانه، حق مسکن، حق اولاد، لیسانس کار و... بی‌نیصیب است. کارگران این کوره‌پزخانه‌ها در دهنه‌هایی که در نزدیکی کوره ساخته شده است زندگی می‌کنند و حتی آب آشامیدنی را می‌جویند از اسفندی ران به "خانه" می‌آورند و شب و روز باید با زردن ران آلود کوره‌ها را همراه گردو خاک که بر آن افروخته می‌شود "شمن" کنند.

کارگران کوره‌های آجرپزی کاشان:

ما هر چیزی را که در قانون به کارگران تعلق می‌گیرد، می‌خواهیم



هر روز از صبح تا غروب آفتاب کار می‌کنند

در اطراف کاشان بیش از صد کوره آجرپزی، کوبرخشک و سوزان راه جبهه تبدیل کرده است. در این سیاهان بجز کارگران از آفتاب سوخته و کوره‌های آجرپزی، هیچ چیز وجود ندارد. صدها کارگر در بدترین شرایط کار، در میان شعله‌های فقر، مرارت، باجه‌های ستم کشنده و قلبی مالامال از هم‌سالها ستم، هنوز هم در این دوران پس از انقلاب سرود غمگانه "رنج را می‌خوانند و فقر چون بختی هر دم چنگش را بر بازوان این فرزندان رنج و کارفرمایان برده، و برای کارفرمایان کوره‌پزخانه‌ها چه سرمایه‌های بالاتر و ارزاتر از استثمار بازوان این زحمتکشان.

کارگران این کوره‌ها، که تقریباً نیمی از آنها افغانی هستند، بطور فصولی کاری می‌کنند. بیش از هفتاد درصد آنها سالی چهار ماه یا پنج‌گانه و بابه کار دیگری مشغول می‌شوند و میتوان گفت از محرومترین کارگران بشمار می‌روند. این کارگران، که با خون دل مصالح ساختمانی را می‌سازند و با آن مصالح شهرها برپا می‌شود، خود از داشتن یک مسکن مناسب محرومند. کار آجرپزی سخت و طاقت فرسا است، بخصوص گرمای سوزان و داغ تابستان کاشان کار را سنگینتر می‌کند.

این صاحبان اصلی کشور از داشتن هر نوع وسیله رفاهی محرومند. کارگران افغانی هم به علت مهاجرت، مجبورند در مقابل اربابان راضی باشند و در این میان اربابان، کارگران افغانی را استثمار و مضعف می‌کنند و فرصت مناسبی دارند تا کارگران ایرانی را بیشتر بدوختند.

برای اطلاع از وضع کارگران، سری به کارخانه آجرپزی حاجی اکبر داد آبادی زدیم. این کارخانه با سیستم ماشینی نیمه اتوماتیک (تولید آجر سفال) کاری می‌کند. آجرهای سفال (سوراخ دار) بوسیله ماشین قالب‌بندی و سپس برای پختن بوسیله کارگران آجرکش به یک کوره مستطیل شکلی منتقل می‌شود. شش کارگر آجرچین و آجربار در این کوره مشغول به کارند. کارگران آجرکش بوسیله چرخ دستی آجرها را به داخل کوره منتقل می‌کنند و توسط کارگر آجرچین در کوره جا داده می‌شود. این کوره نفت سوز است و سوخت آن از سقف کوره تا زمین می‌خورد. با یکی از کارگران به گفتگو نشستیم.

شکراه، کارگر آجرچین گفت: "اهل قوچان هستیم و چهل و یک سال دارم. بیست و دو سال در کوره‌پزخانه‌های تهران گنبد، مشهد و کاشان کار کرده‌ام. چهار سال است که به کاشان آمده‌ام".

از وضع خانواده شکراه جویا شدیم. گفت: "زن و چهار فرزندم در قوچان زندگی می‌کنند. فرزند بزرگم محمدرحیمه (کوچکترها) در خانه هستند. هر دو سه ماهی یکبار به دیدن نشان می‌روم".

شکراه اضافه کرد:

"چه میشود کرد. وقتی کارگر نیاید، مجبوریم به هر شهری برویم و غیرت را تحمل کنیم".

از شکراه در مورد وضع حقوق و کارش پرسیدیم. در پاسخ گفت:

"از صبح تا غروب آفتاب، یعنی چهارده ساعت کار می‌کنم و برای هزار گشت از یک ساعت دست از کاری کشم. برای هر هزار گشت حدود سی و پنج تا سی و شش کیلوگرم، حتی ضایعات کار (آجرهای شکسته) جزو کارمان محسوب نمی‌شود. بجز این مزد، هیچ چیز دیگری ندارم، نه مسرتراحتی نه روزجمه، نه تعطیلی، نه مرخصی، نه بیمه، نه پاداش، نه سوابق زندگی".

شکراه دستهای ترک خورده‌اش را که می‌لرزید، نشان داد و گفت: "نه دستگش داریم و نه لباس کار، ما حتی برای تهیه غذا مجبوریم به شهر برویم و در مقابل همین وقتی که صرف خرید غذا از شهر می‌شود، از مزد محرومیم. در این بیابان بجز آتش و آجر و کوره هیچ چیزی پدید نمی‌آید".

از وضع مسکن شکراه پرسیدیم. گفت: "کارفرما برای هر دوسه نفر کارگر یک اتاقک لخت و بدون هیچ وسیله‌ای روی سقف کوره ساخته است. در اینجا از بهداشت خبری نیست. ما مجبوریم همیشه با آب سرد خودمان را بشوئیم. اتاقکمان در تابستان داغ است و هیچ وسیله خشک کننده‌ای ندارد و در زمستان هم از شدت سرما می‌لرزیم".

از شکراه پرسیدیم خواست نوجیب. در پاسخ گفت:

"خدا عار ما را مخفی کند که به داد ما برسد".

حسن، یکی از کارگران چرخش، حرفهای شکراه را تأیید کرد و گفت:

"من مدت بیست سال است که در کوره‌پزخانه‌های گنبد و باهل و کاشان کاری می‌کنم. وضع من هم مانند شکراه است. از زندگی هیچ چیزی ندارم".



در این بیابان جز کارگران آفتاب سوخته هیچ نیست!

در این کارخانه آجر سفال، تعداد سی و سه کارگر در رشته‌های قالب‌بندی، چرخ‌کشی، آجر چینی و آشتکار کوره کاری می‌کند. با یکی از کارگران آشتکار گفتگویی داشتیم. علی، کارگر آشتکار می‌گفت:

"حدود نهمال است اینجا کاری می‌کنم و حالا با دوازده ساعت کار روزی صد و پنجاه تومان مزد می‌گیرم".

علی تنها کارگر بیمه کارخانه است. او را پرسیدیم: "خطوبو بواسی سموی" گفت: "فلا در شرکت "مک" دراصفهان کار می‌کردم و از سال ۱۳۵۰ بیمه هستم. در سال گذشته برای بیمه شدن مجدد به اداره کار مراجعه کردم و با پیگیری بواسی به نتیجه برسم".

از او پرسیدیم: چرا خانه کارگران شما بسند؟

گفت: "اول کارگرانی که بخواهند از مزایای بیمه استفاده کنند، کارفرما دورا تصمیم به اخراج آنها می‌گیرد. نانی اداره کار بیمه برای بیمه کردن کارگران هیچ اقدامی به عمل نمی‌آورد".

از وضع خانواده‌اش جویا شدیم. گفت:

"خودم اهل آذربایجان هستم و خانواده‌ام در اصفهان زندگی می‌کنند. من با خانواده‌ام در مجموع پنج نفریم و در اصفهان یک خانه کوچک صد متری داریم که در زمین بانک کارگران است و از سال ۵۲ تاکنون ماهی چهار صد تومان قسط می‌دهیم. چون در اصفهان کاری پیدا نکردم، اجباراً به کاشان آمدم".

او بارها اتاق خودرید که مادرش اولیه، زندگی خود و گفت:

"این هم بهداشت ما است".

از او پرسیدیم: حواسانت حس و چه بیماری‌های در مورد رفاه کارگران کوره‌پزخانه داری؟ در پاسخ گفت:

"ما هر چیزی را که در قانون به کارگران تعلق می‌گیرد، می‌خواهیم. مثل حق تعطیل جمعه و تعطیلات رسمی، برخصی سالانه، حق اولاد، حق خوابگاه. اولین کاری که باید انجام شود، تعیین ساعات کار مشخص برای کوره پزخانه‌ها است. ما از صبح زود تا شب باید کار کنیم. هنوز انقلاب به اینجا نرسیده است".

چشمید کارگر آشتکار در کارخانه، که اهل برد است، سردرد دلس‌بارد و گفت:

"در مورد به اتفاق خانواده‌ام کشاورزی می‌کردیم، و چون بیگانه‌ایم، به کاشان آمدم. من باید در غربت کار کنم، ماجر حواهر و برادران کوچکم را تا زمین کنم".

جوابی که کارگر کاشان از ارباب طلب است و سال هدهده است، که در نزد آمریکایی جوجوارو عوارض کربلهای حکومت کارگران راه رزساره ساده است. اکنون که انقلابی بزرگ در سراسر مملکت بزرگس دار کرجها، عقی امرسیاسم آمریکا جوراً نام خراسان دارد، به حق کارگران انتظار دارند که مسئولان به اذعان برسند.

دهقانان عباس آباد مشهد: بایبل ودایی به جنگ این صدام آمریکایی می‌رویم

روستای عباس‌آباد در شمال شرقی مشهد واقع است. فاصله این ده تا مشهد حدود ۳۳ کیلومتر است. ۴ کیلومتر آن جاده آسفالته و ۱۲ کیلومتر جاده خاکی است. این روستا دارای جمعیتی در حدود ۵۰ خانوار است که اکثر آنها را دهقانان زمین و کزرم‌ها تشکیل می‌دهند. هم‌اکنون که کشور عزیز ما مورد هجوم صدام امپریالیست آمریکا، رژیم جلاز و خیانتکار صدام حسین قرار گرفته است، روستائیان عباس‌آباد برای مبارزه با این متجاوزین اعلام آوازی کرده‌اند. آنها می‌گویند:

"خلیج فارس هشتم آموزش نظامی بینیم و در هیچ قسمت نامم، ولی تاکنون از هیچ منبعی به این روستائیان داده‌اند. ۲۰۰۰ جوان در این روستا داریم که حاضرین در آمریکا و رژیم متجاوز و مزدور صدام حسین تا آخرین قطره خون خود می‌جنگند و در دفاع و انقلاب خود شهید شوند. دهقانان عباس‌آباد برای آن که مشت مچکی به امپریالیسم آمریکا و جنگ افروزان و ضد انقلاب داخلی زده باشند، و برای تولید محصول بیشتر، با جدیت زیاد زمین‌ها را به زیر کشت بردارند. آنها اسامی ۱۵۰ هکتار ۱۰۰۰ هکتار زمین را راکند گذاشته‌اند. آنها به درستی می‌دانند که جهادشان هم در هیچ قسمت است. هم در کشتزار، روستائیان در بهشت اول ارد کردن هستند. آرزو و تعدادی گرفته‌اند و دیگر کتک‌های خود را به "صدام کفرگرای بی‌مناطی جنگ زده" واقع در جاده‌های زندگی مشهد، تحویل دهند. یکی از روستائیان می‌گوید:

"اگر این دولت متجاوز برای خود نمی‌بیند همان بلائی که بر کزرم رژیم متجاوزین آورده‌اند بر سر این مزدور می‌خواهیم آورد و بایبل ودایی به جنگ این صدام آمریکایی می‌رویم. صدام حسین، این دستار امپریالیسم آمریکا باید بداند که کوبخ بوجب خاک چین عزیز ما گورستان متجاوزان و مزدوران آمریکا نشانی شد. دهقانان و کارگران همین با بارو در جلو هجوم متجاوزان صدامی را خواهد گرفت. حای این دارد که هم اکنون هیچ مستمعین شنید به سر اعلامی و احساسات پاک روستائیان عباس‌آباد جواب دهد و برای سرپوشیدن این دهقانان رحمکن هر چه زودتر اقدام کند و بوسه سولین مستعد با اقدامات سیاسی خود در جهت حل مسئله زمین، این سرگردان را رازی. اسلحای جمهوری اسلامی را تحکم کند تا محصول تولید شده خود را به دست مچکی نوظه‌های آمریکا را در هم شکند. هر چه زودتر ما هم به خطی جهاد کشاورزی این است که کشاورزی را تقویت کرد و کشت را زیاد کند. تا دیگر محتاج نباشیم."

روستائیان مبارز کهریز - خواست‌ها و امکانات آنها

۲۳ کیلومتری جاده ارومیه - سلماس، روستای کهریز، که ۵۰ کیلومتر از ارومیه فاصله دارد، قرار گرفته است. در این روستا ۲۵۰ خانوار دارای ۱۰۰۰ نفری است. ۲۰۰ نفر زندگی می‌کنند. در حالیکه در این روستا ۱۵ نفر پیشه‌ور و حدود ۱۰۰ خانوار در ده بی‌زمین هستند. ۶۳ نفر، قسمت وسیعی از اراضی را در دست دارند.

دهقانان برای تولید بیشتر و تأمین احتیاج مردم به غلات و حبوبات و انواع میوه، به پند و کود احتیاج دارند ولی تنگنای که برای تهیه پند و کود و مواد دفع آفات به شیر روی می‌آورد، واسطه‌ها و دلالان دست از گریبان آنها برهنه‌اند. لذا آنها مجبور می‌شوند که پند و کود را به قشای گزاف بخرند. علاوه بر این بکاربردن مسج کورد و دفع آفات نیز به آنها آموزش لازم داده شده است و به علت فقر و بزدن امکانات از ماشین‌آلات کشاورزی نیز بطور محدود استفاده می‌شود. دهقانان طلب می‌کنند که در موارد مذکور کمکهای فوری به آنها انجام گیرد، تا بتوانند محصولات ضروری را برای گذور انقلابی خود که در معرض تهدید آمریکا قرار دارد، تولید کنند. زنان روستا ضمن تحمل بار سنگین خانه‌داری و پرورش بچه‌ها، به کارهای مختلف کشاورزی از قبیل دامداری و چیدن کردن و غیره اشتغال دارند.

و خیرا بخصوص از تحصیل کردن محروم هستند. در ده فقط یک دبستان پنج کلاسه وجود دارد. در گذشته به علت نبودن مدرسه راهنمایی، اکثر دانش‌آموزان ترک تحصیل می‌کردند، اما امسال توسط جهاد سازندگی مدرسه راهنمایی ساخته شده است. در دبستان این روستا از همه نظر معلم بایستی کم‌درسی کنند، اما خبری از آنها نیست. این روستا برزندگان در ناسالهای پیدایش موجب شیوع انواع مرضا می‌شود. اهالی این روستا در جریان مبارزه با رژیم منحوس پهلوی از خود نشان داده‌اند. قابل توجهی نشان داده‌اند. آنها در مقابل زاندارسانان که می‌خواستند اهالی را برای طرفداری از شاه ملعون به ظاهر است و آواران، شدیداً مقاومت می‌کردند. پیش از اهالی با سن و سال

دست جنایتکاران از جان روستائیان کوتاه!

زمینهای مزروعی روستای قاسم آباد، واقع در فرعی کوچ به سمت قزوین، پیش از انقلاب کشاورز متعلق به مالکی بود که قسسی دوران انقلاب، به اتفاق سایر خوبان خود به سراشیل رفت. زمین‌های این شخص را هیئت هفت نفری که از طرف دولت تعیین شده بود، در اختیار گرفتند. در این روستا شوری ده توسط چند تن از اهالی زمینکشی و زمین به انقلاب شکستل شده است و با نظارت هیئت هفت نفری در امر واگذاری زمین دخالت دارد. این انجمن مورد عسادی و تاخیر اهالی روستا است. برای مثال، شورا چندین قیل مندوقی جهت عمران دهکده ایجاد کرده بود که در مدت یک هفته روستائیان مبلغ ۲۵ هزار تومان به این مندوق واریز کردند. در این میان عوامل بزرگ مالک فراری نیز بیگنا رضاءه‌اند. آنها بی‌گناه‌های مختلف و با استفساده از شیوهٔ ارباب سعی در سد کردن اقدامات انقلابی دارند. این افراد بویژه از اقدامات شورای ده تاخیر هستند و به همین علت چندین پیش ما در آقای حسینی، یکی از فعالین شورای ده را شبانه در باغ انگور، با ضربات چوب به قتل رسانند. قاتلین، پس از ارتکاب به قتل، از طرف پاسداران کرج دستگیر شدند و به زندان کسار انتقال یافتند. متأسفانه تا زمان ارسال گزارش هنوز هیچ اقدامی از طرف مسئولان مسئول برای محاکمه این چهار رشتن‌مورت نگرفته است.

عمل جنایتکار ارباب در ارگان‌های دولتی نفوذ دارند، مثلاً چندین

قبل، به منظور ارباب‌ها اهالی روستا، فردی را از ناحیه سر مجروح کردند. ولی با وجود شاهین، پزشک قانسوسی کرج اینطور تشبیهی داد که این فرد از موشورسیکتل زمین خورده است. مراجع کردند و نسبت به کار رشتن‌در محاکمه اعتراض نمودند. یکی از اهالی روستا می‌گوید: "زندان قزل حمار برای این چهار رشتن مثل خانه شخصی است. آنها در این زندان می‌نشینند و در این محکم است که زمین زندان را آزاد شوند." روستائیان قاسم با آقا خواهان کوتاه کردن دست عوامل مستکبر در روستایشان هستند. یک دهقان بهیتر می‌گوید: "در ده ما دولت مستکبرها هم زندگی می‌کنند، دولت با بد دست این مستکبرین را از زندگی ما کوتاه کند." روستائیان این دهکده انتظار دارند که این چهار رشتن به صورت انقلابی انجام بگیرد و محاکمه آنها محاکمه شود. تا می‌توانند روستائیان باشد و امروا کداری زمین بدون کار شکی و خرابی از خود این عمواسل ادامه می‌دهد. در شرایط نبرد رویا روی با عمل صدام حسین، که از حمایت فئودال‌ها برخوردار می‌شوند، انجام این محاکمه بر واقع ضروری خواهد بود بهیتر پایگاه امپریالیسم جنایتکار آمریکا و لشکریان و تجار و کارمندان، انجام این محاکمه هدف دهقانان را در پشت‌سر انقلاب و جمهوری اسلامی متحدتسر و فشرده تر خواهد ساخت.

تأمین آب و دفع آفات نباتی، مهمترین خواست برنجکاران

کشت و زری که محبت می‌کنی، می‌گوید: "اگر فلان کس کارگری می‌کند، در این مدت درآمدش بیشتر است، حتی مزد خودمان هم در نیامده." کمبود آب، در فصلی که نیاز به آب بود، در این زمان کمبود آب را شکست است. اسامی در اغلب مزارع، بویژه در منطقه تا بریده، با زهم کرم ساقه خوار آلوده شده است. کشت و زری را به بی‌تبدیل کرده است. علاوه بر این، به گفته کشت و زری، نوعی آفت بنام "بلاست" پدید آمده است، که قبل از اینکه خوشه برنج بطور

کامل جان گرفته شده ساقه آسرا سیاه می‌کند، در نتیجه خوشه پوچ و بی‌مزه می‌شود. گیاه از ریشگی خشک می‌شود. یکی نیز اسامی خسارت جبران نشدنی و زری وارد کرده است. در حال حاضر اغلب اهالی این روستا از آب‌های سطحی که غیر بهداشتی است، استفاده می‌کنند. مزارع برنج دهقانان نیز از آب رودخانه که بسیار کرم شده بود، آلوده شده است. مزارع کشت و زری را به بی‌تبدیل کرده است. علاوه بر این، به گفته کشت و زری، نوعی آفت بنام "بلاست" پدید آمده است، که قبل از اینکه خوشه برنج بطور

روستائیان بزکدار علیا، منتظر ورود هیئت هفت نفری هستند

روستای بزکدار علیا از بخش در فرمان‌وادر شرق کرمانشاه قرار دارد. در این روستا حدود ۲۶-۲۷ خانوار (۱۲ نفر) زندگی می‌کنند. که از این تعداد ۱۰ خانوار خوش‌نشین هستند. مأموران هیئت ۷ نفری نام ۲۳ نفر از این خوش‌نشینان را برای واگذاری زمین به آنان ثبت کرده‌اند. یکی از زمین‌های این هیئت ۲۲ هکتار (۱۲ هکتار است و مالک دهه بهکزار زمین دارد. یک کوره خانواری، که قبلاً از زمین بیرون رانده شده بود، شکست کردند و در نتیجه در اثر کوشش سازمان‌زدگی آن منطقه، ۱۶ هکتار زمین به آنها تعلق گرفت. همچنین از طرف جهاد سازندگی ۲۴ هکتار زمین به یک خانواده چهار نفری که زمینهای آنها را توسط مالک غصب شده بود، رسید. جهاد سازندگی مقرر کرده است، تا اسامی هیئت ۷ نفری، روستائیان باید زمین‌های مالک را بطور شفاف کشت کنند، که تضمین عافیت و بهیتر است و موجب اعتماد دهقانان و به دست آوردن محصول بیشتری می‌شود. دهقانان اتحاد و هم‌طولی خود و با کتک نهادهای انقلابی خواستند مالک بزرگ ده را به مدت ۹ روز بی‌زندان اندازه‌اند، زیرا خرابکاری و تلافی‌گویی می‌کرد.

در این روستا حرام، آب لوله‌کشی، برق و مسجد وجود ندارد. اگرچه سال گذشته ۷۷ هزار تومان توسط مقامات مسئول برای برق‌کشی در این روستا داده شده است. جهاد خاکی این روستا ۳ کیلومتر طول دارد. که در زمان هارفت و آمدار آن قطع می‌شود. این روستا یک مدرسه با یک معلم و ۳ دانش‌آموز دارد. ۲ نفر از این روستا در عیون و ۳ نفر خوش‌نشین شوری با بد عیون و ۳ نفر خوش‌نشین ۲ خانوار تشکیل شده است. همچنین ۲ نفر ساینده‌کار کشاورزان برای معرفی به هیئت معرفی شده‌اند.

اتحاد عمل و روشن بینی دهقانان ضمن موفقیت آنهاست، باید از سنت‌های کسار جمعی و تصاویری استفاده کرد و از هیئت ۷ نفری خواست که حای های شاع ترتیب دهد. این کار و تأمین آب و حمام و بوی و مسجد وسیله مهمی است تا دهقانان بتوانند به وفور و مهم خود در این شرایط حیاتی بوزن امپریالیسم آمریکا عمل کنند و محصولات هر چه بیشتری را با کار شاعی خود، پروری زمین‌های کساری به خود آنهاست، بدست آورند.

باید، زیرا این اسامی در شرایطی که انقلاب با پی رزم تجار و کسار جمعی در کسار است، جنگ تحمیلی است. نفع آنکس که بی‌تبدیل است. داخلی نیز با امپریالیسم آمریکا را باید هم‌زمان با جهاد جنگ تقویت کرد. و در هر دو وجه به توطئه‌های ضد انقلاب پیروز شد. دهقانان نیز به روستائیان که در این محکم است، مشکلات را برطرف کند. همه از آن با کسارند، ولی مهم آینه‌ها است بهیتر اهمیت تا زمین‌مواد معرفی شده است. نیز از جمله آفات با بد این مشکلات را حل کنیم، تا به زاری می‌شود. کالی بزین مثل شونده آف کت آینه‌ها زندگی دهقانان تا ریک



مضانلی کارگر روستائی در روستای طبر (بخش جاجرود) در حال آماده‌کردن گل برای تعیین پام یک خانه روستائی است. بانک روستائیان همراه پس ۱۲ ماهه تمام سال کار می‌کنند. نمی‌توانند حداقل نیازهای خانواده را برآورده کنند. با حل مسائل زندگی زمین زحمتکش و ایجاد کارگاهی در روستاها، با استفاده از وسایل رشد و پیشرفت همه‌جانبه، به پیشرفت تولید زندگی روستائیان کمک کنید. در نبرد ما علیه امپریالیسم آمریکا و آل‌تحت‌الارضاد، تقویت پشت جبهه ضرورت حیاتی دارد.

توده‌ای‌ها آمادگی خود را برای جانبازی در راه میهن انقلابی

اعلام میدارند

ادراک

سازمان جوانان توده ایران در آراک نیز با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن اشاره به توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا از یکسو و تشبیهات عوامل تبهان و آشکار امپریالیسم آمریکا در داخل ایران از سوی دیگر، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و درهم کوفتن تجاوز رژیم صدام حسین - آمریکا به خاک ایران اعلام کرده است.

در این اعلامیه آمده است:

"باتجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق به ایران، که در چارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا انجام می‌گیرد، خلق قهرمان ایران امروز با یکی از لحظه‌های سرنوشت‌ساز تاریخ خود روبرو است. مانده تنها در تکیه‌های میهنیان، بلکه همچنین در برابر تاریخ خلقهای منطقه مسئولیت‌پذیری می‌باشد. اگر خلق قهرمان مادریان لحظه تاریخی ازین روخوتین با امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان و دستاربان و دست‌نشاندهانش پیروز درآید، که بی‌تردید پیروز درخواهد آمد، برگ زرینی در تاریخ مبارزات آزادی‌بخش خلقهای اسیرخاور نوشته است. پیروزی در این نبرد مستلزم مداراگری است، آمادگاری هنگامی به پیروزی می‌انجامد که از جنبه فردی بیرون آید و شکل توده‌ای و همگانی بخود بگیرد."

اعلامیه‌یسیس یادآور شده است:

"در داخل لیبرال‌ها هزاره با عوامل ضدانقلاب از یکسو، چپ‌نمایان و سرسپردگان به سرویس‌های جاسوسی امپریالیسم از سوی دیگر و در خارج تمام دنیای سرمایه و زر و زور به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، با هم بر ضد انقلاب ایران همدستان شده‌اند. فشارمکنه امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا، بر ما از هر سو افزایش می‌یابد. تجاوز نظامی همگانی رژیم بعثی عراق به ایران مرحله جدیدی از توطئه براندازی است."

در خاتمه اعلامیه آمده است:

"سازمان حزب توده ایران - آراک طی نامه‌ی ارسال شده به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

رژیم جنایتکار صدام حسین، آمادگی خود را برای شرکت در صحنه نبرد و مقابله با تجاوزین مدعی اعلام کرده‌اند. در این اعلامیه از جمله آمده است:

"هواداران حزب توده ایران در خمین حاضرند در صحنه نبرد با متجاوزین بعثی - آمریکائی، در کنار پاسداران، درجه‌داران، سربازان و افسران شور و تحت رهبری امام خمینی، با تمام وجود خود از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند."

همدان

سازمان حزب توده ایران در همدان با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به "ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همدان"، آمادگی خود را برای شرکت در نبرد سینه‌ای علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام کرده است. در این نامه آمده است:

"اینک که میهن انقلابی و عزیز و پرافتخار ما مورد تجاوز و توطئه همه‌جانبه امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا قرار گرفته، و رژیم مزدور و تبهکار بعثی عراق وظیفه سرکوب انقلاب و عاقلیت براندازی جمهوری اسلامی ایران را به عهده گرفته است،

سازمان حزب توده ایران در همدان، به نوبه خود، بر اساس رهنمودهای شخص کمیته مرکزی حزب، مندرج در اعلامیه مورخ ۵۹/۶/۲۱، با تمام نیرو و امکانات، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق و توطئه براندازی آمریکا، به آن نهاد گرانقدر انقلابی، که از بنیان انقلاب جوشیده و نقش عمده و اساسی در حفظ و تصحیح دستاوردهای انقلاب ایفا کرده و می‌کند،

اعلام می‌دارد، تاهرگونه ماموریتی را که فریبانده سپاه معین می‌دارد، اعم از همکاری در دفاع شهری، شناسایی عوامل ضدانقلاب، شرکت در ارتش بیخ، نگاهبانی از موسسات حیاتی شهر، امداد و کمک‌رسانی بزرگی و جز اینها انجام دهند."

بدنبال فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای شرکت گسترده اصما و هواداران حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل تجاوز رژیم صدام حسین - امپریالیسم آمریکا، سازمانهای حزب توده ایران آمادگی خود را برای شرکت در این جنگ سینه‌ای اعلام کردند. علاوه بر آن دسته از سازمانهای حزبی که در نقاط مختلف کشور نیروهای خود را در اختیار نهادهای انقلابی گذاشته‌اند و اخبار در شماره‌های گذشته "نامه مردم" به اطلاع رسید، چند سازمان دیگر حزبی آمادگی خود را اعلام کرده‌اند. اخبار این سازمانها را، که قبل از تعطیل موقت "نامه مردم" بدست ما رسیده است، در زیر می‌خوانید:

پروازجان

سازمان حزب توده ایران در پروازجان طی نامه‌ای به مسئولان بسیج مستضعفان این شهر، آمادگی خود را برای شرکت در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن در مقابل تجاوزات رژیم صدام حسین اعلام کرده است. در این نامه آمده است:

"در شرایطی که دست امپریالیسم آمریکا از آستین صدام حسین جانی درآمده و کشور ما مورد هجوم نظامی فرارنده، ما هواداران حزب توده ایران در پروازجان به پیروی از شی اصولی حزب خود، که مبارز است از دفاع از جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی آمادگی خود را برای دفاع از نامیت ارضی ایران انقلابی را اعلام می‌کنیم و بدینوسیله به گامی می‌زنیم که حاضریم در هر نقطه‌ای که مسئولان لازم بدانند، تا پای جان از وطن و جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم."

خمین

هواداران حزب توده ایران در شهرستان خمین با انتشار اعلامیه‌ای ضمن اشاره به توطئه‌های امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب ایران و تجاوز

و بسیج مستضعفان، قبل از آمادگی خود را برای همکاری همه‌جانبه در برابر توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و خارجی اعلام داشته بود. اینک ما اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران - آراک با توجه به شی اصولی و خصلت‌ناپذیر حزب توده ایران، باردیگر بر این مهم اصرار می‌ورزیم و آمادگی خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌داریم و حاضریم تا پای جان دوش به دوش برادران پاسدار و ارتش در جبهه‌ی پیش‌توجه میهن‌دشمن به مقابل بپردازیم."

راسر

سازمان حزب توده ایران در راسر ضمن ارسال نامه‌ای به ارگانهای انقلاب، آمادگی خود را برای همکاری با سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی ایران اعلام داشت. در این نامه ضمن بر شارسن کمکهای مالی و چینی که توسط اصما و هواداران حزب توده ایران در راسر جمع‌آوری و برای ارسال به جبهه در اختیار نهادن های انقلابی گذاشته شده، آمده است:

"در لحظات حساسی که میهن ما و انقلاب بزرگ ما بر رهبری امام خمینی از سر می‌گذراند، کمک و مشارکت فرد فرد ما برای قلبه بر مبارز نظامی داروخته صدام حسین و عقیم گذاشتن توطئه آمریکا ضرورت و اهمیت دارد. دها هزار تن از ایرانیان انقلابی و میهن‌دوست و از جمله توده‌یما در جبهه‌های نبرد سراسر ایران و حاصه، در سنگر های مقاومت و ایثار، مستقیما در جنگ روبروی با دشمن متجاوز و حایبان او - امپریالیسم آمریکا شرکت دارند، خون می‌دهند، جان می‌سپارند تا از سیرن انقلابی خود دفاع کنند.

ما اصما و هواداران حزب توده ایران در راسر همواره آمادگی خود را برای تعلیم فنون رزمی و ایثار و جبهه‌های جنگ به مسئولان اطلاع رده‌ایم و هر آن منتقلی جواب مسئولین هستیم تا بتوانیم در این جنگ عادلانه و بی‌پیش، سهم بسزای خویش را به مردم، میهن و انقلاب شکردهنده شهد امپریالیستی و خلقی و مولود آن جمهوری اسلامی ایران ادا کنیم."

وعده‌های کارتر و واقعیت

کارتر در جریان مبارزه انتخاباتی چهار سال پیش قول‌هایی که به مردم آمریکا نداد، به ادعای جمهوری - خواهان شماره ۲۵۰ "قول‌ها" بخش از بود. او در زیر تنها چند نمونه این "قول‌ها" را می‌آوردیم و آن‌ها را با واقعیت امروز ایالات متحده مقایسه می‌کنیم:

قول کارتر: "اگر به ریاست جمهوری انتخاب شوم... در عرض چهار سال بیکاری بزرگسالان را به ۴ درصد تقلیل (خواهم داد)؛"

واقعیت: در حالیکه چهار سال پیش میلیون نفر در آمریکا بیکار بودند، بموجب آمار سندیکا، امروز بیش از ۱۲ میلیون آمریکایی در جستجوی کارند.

قول کارتر: "بدون آنکه نوم بدید آید، تولید و اشتغال را افزایش (خواهم داد)؛"

واقعیت: چهار سال پیش نرخ تورم ۵/۸ درصد بود، اینک ۱۸ درصد است.

کارتر: "... کسانی که درآمد بیشتری دارند، مالیات گزاف خواهند

این قافله را سر باز ایستادن نیست...

تاروش دستان دوزخ - سر ما
ببینیم
نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست...
*
"مخون شیزایی"
بر چه "خکنجه‌گر"
"تورج"؟
در خرابیان اعدام شد
نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست...
*
بر چه بر خاک نمی افتد
همیشه شهیدی هست
تا بر خون و فریا دخواست
آن را بر فراز...
نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست...
*
در سنگرهای خرمشهر
عسکر فریاد می زند
- به پیش!
در سنگرهای آبدان
تقی به خون خویش می‌فلتد
در سنگرهای وطن
توده‌ای‌ها فریاد می‌زنند:
- به پیش!
نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست...
*
در دیوان
"وزیران" است این:
- چشم‌هایم را بنهندید

اینک
که بر کاغذ
تاریخ قافله را مرور می‌کنی...
هم اینک، آری، سر بر دار
گوش کن!
در سنگرها کسای بی‌خاک
می افتند
قافله در راه است...
گوش کن! گوش کن!
فریادها در خون و بیاروت
طنینا نمی‌کند
و در چا رسوی جهان منفجر می‌شود:
- مرگ بر آمریکا!
نگاه کن!
- جهان زیر پای سرمایه می‌لرزد
*
دیروز و امروز
تقی...
فردا...
ما، برهروان قافله‌ای خونین
که با خویش
شقایق آزادی به فله تاریخ
میبرد
*
نه، نه، ای رفیق!
ای همسگر...
نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست...

پایه از صحنه ۱

کشته و خون‌دهان منهدارد. اما وقتی انسان دنیای یک آلمان مقدس حرکت می‌کند، ایستادن به او تلاش و فداکاری را مستوجب می‌دهد پس باید فداکاری کند و پایدار جان خود هم بگذرد.

حجت الاسلام خامنه‌ای افزود: من از تهل خدا را شکر کردم که در دوازدهم و در جبهه خوزستان دور از غوغای سیاست، پاران راحت‌طلب و فرست‌طلب، مشغول کار دیگری بودم و نبودم و انشاء هر چه زودتر باز پس از اقامه نماز و انجام کارهای که دارم خواهم رفت تا این جوراً و این فضا را استمتاع نکنم.

امام خمنه تهران افزود: «آنهايي که منتظر بودند جمهوری اسلامی را منقلب کنند، خودشان را ازین راه خودشان می‌شوند و اثری از آنها باقی نمی‌ماند».

حجت‌الاسلام خامنه‌ای گفت: شاه ننگون بخت اردن می‌گوید اگر سدام برود، ما هم رفته‌ایم، راست می‌گوید. «ای افزود: برادران و خواهران عزیز من توصیه من به شما، پس از این آیه قرآن، فقط یک جمله پیش نیست و آن جمله این است، سعی کنید اتحاد و اتفاق و اتلاف خود را حفظ کنید... سعی کنید دچار دو دستگر نشوید، نگذارید جریان اختلاف افکن وارد خرتی‌های مردم شود. بگذارید سیاست‌باز، های کینه کار این کسانی که همه هم دشمنان میوه مسائل بی‌ارزشی است هر کار می‌خواهند بکنند، هر چه می‌خواهند بنویسند، شما ای ملت بزرگوار ای ملت مستوطن ای فدائکاران صادق شما پایتان را از این اختلافات کنار بکشید، نگذارید شما را آلوده کنند، دیروز که من وارد تهران شدم، چند نفر از پاران در چالی جمع بودند از آنچه در روزنامه‌ها در این چند روز گذشته است به من از هیچ جا خبر نداشتند، شرح داده‌ام روزنامه‌های، چه مسائلی را مطرح کرده‌اند و ذهن مردم را مشغول کرده‌اند... قدر مردم را بشناسید که با بازیهای سیاسی را، نگذارید، این بازیهای سیاسی را توی بازار، توی خرتی‌های مختلف، توی کاخ‌ها، توی طبقات

راه صدام...

پایه از صحنه ۱

راهی که رژیم چاب‌تکار صدام در پیش روی دارد، همان راهی است که همه رژیم‌های چاب‌تکار تاریخ پیرو کرده‌اند. تاریخ چنایات رژیم صدام از وقتی آغاز شد که از دار و دستاش به خلفای فرمان‌عراق پشت کردند، جبهه متحدی راه، که عراق را در راه استقلال، آزادی و پیشرفت رهنری می‌کرد، درم شکستند و چنانکه رسم جلالان دوران سرمایه‌داری کمونیستی است، بیشتر از همه کمونیستی را به جوخه اصدام سپردند. خون یک دیها کمونیست عراق، که جان خویش را فدای آرمان خلق خویش کرده‌اند اولین ورق کتاب خویش چنایات صدام را رنگین کرده است. ولی کشتار کمونیست‌ها و هر

شیطان بزرگ امریکا...

مصل، مصروفات توی دستاشیا و دیربستانها وارد کنند. حجت‌الاسلام خامنه‌ای در قسمت دیگری از خطبه نماز جمعه دیروز گفت: «امروز از پیروزترین گناه‌ها احتکار است. سواد مصرعی مردم ام از مواد غذایی و غیره غایب از احتکار کردن، پیش از اندازه جمع کردن و معنای از دهان دیگران گرفتن و به گلولی خود ریختن است. دولت در مقابل احتکار باید با قلمت عمل کند، و اگر فرد در این عنت و هتفه قبل شایعاتی وجود داشت مبنی بر اینکه روحانیون در کارهای جنگ دخالت می‌کنند، من صریحاً می‌گویم این مطلب دروغ است. در حد نظر دادن که هر انسانی نظر میدهد امروز دیگر دوران گذشته نیست که به روحانیون خفته‌شده، اظهار نظر نکنند، یک سرماز می‌آید در مقابل فرماندهان اظهار نظر می‌کند، یک پاسدار ساده عادی می‌آید نقشه جنگی و طرح جنگی ارائه می‌دهد، یک افسر جزء راهنمایی می‌کند که بسیار ذوقیت است. مردم کوچک و بازار هم با آنها که اطلاعات و یک روحانی که بار مسئولیت دارد، حتی نارند اظهار نظر کنند سنگین هدایت و ارشاد مردمی دوش، اوست و درد دلها را می‌شوند و گزارشها را می‌بندند چرا نزارند اظهار نظر بکنند اظهار نظر می‌کند، اما دخالت بیجا و چه، امروز حتی شورای عالی دفاع هم نسبت به ارتش فرماندهی نمی‌کند، این را بداندند مردم ایران، شورای عالی دفاع عراق می‌کند، طرح می‌دهد ارائه طریق می‌کند، فرمانده شورای عالی دفاع نیست، نظامی فرماندهی فرماندهان خود را می‌پذیرد حق هم با اوست، باید همچین عمل بکنند، حتی من خودم با اینکه از آغاز جنگ تقریباً الان بیش از یکماه و نیم است در جبهه هستم با پاران نظامی یا پاسداران یا داوطلبان دانش در تماس هستم هرگز فرمان نظامی به احدی ندادم، با اینکه مشاور امام و عضو شورای عالی دفاع به نصب امام

کردن زندانها از آنها، فقط آغاز کار بود. دنیای آنها - چنانکه تجربه تاریخ بارها و بارها در دهه داده است - نوبت به دیگری نرسد. های مرفی رسید، رژیم صدام حتی ۲۲ نفر از اعضای رهبری حزب پشورا، که با چنایات صدام مخالف بودند و نسبی خواستند وطنشان به‌عنوان امریالیسم‌سته شود، به جوخه اصدام سپرد. این چنایات، همان با ویروش و سرکوب توده‌های خلق، بویژه شیعیان و کردها بود.

پیروزی انقلاب در ایران، خیزشی که پیروزی انقلاب زیر پرچم اسلام انقلابی در کشور هساید، در خلفای عراق بوجود آورده بود، سدام‌را از سرنگونی بساط حکومتش که بر خون خلفای عراق شاور است، به هراس انداخت. چنانکه شیوه همه چسبازان تاریخ است، سدام به تاراج افتاد

اتحاد دیویس...

که امروز در مقابل ماست مال امروز نیست، من خودم سابقاً سالت که با اجتماعات طبقی مثل اجتماع شما رویور هستم. قبل از پیروزی انقلاب در دوران شدت اختراق هر جا با ما بودیم اجتماع مردم بود، حجت‌الاسلام روحانیونی که مستولند... امروز می‌روند و با آنها صامری می‌گیرند این رابطه بین مردم و روحانیت است، ضمن از این‌ها ناراحت است آن که دلتی می‌خواهد اینست انقلاب روی دوش مردم باشد، آن که دلتی می‌خواهد دست و پستی مردم فسلول، آن که مردم را فسلول می‌دانند، این میدان سیاست میدان اداره این انقلاب جمع پوشه، آن که دلتی می‌خواهد مردم فقط اذیت کنند، باشند امروز که رویش نشود این حرف را بزند، امروز که هیچکس جرئت نمی‌کند با مردم اینچنین حرف بزند و صحبت کند، امروز مردم چه در میدانند، در سخنانه اما از این راه وارد می‌شود. روحانیت را از صحنه کنار بزنند، بگویند و بگویند که بگویند تا ۴ که روحانی که به دستور امام و به نصب امام - هر کدام از باها از این روحانیون یک مسئولیتی دارند خوشبختانه به دستور و به نصب خود امام است، یعنی غالباً اینچور است - همین چند نفر روحانی که مسئولیت به نصب امام دارند آنها خسته بشوند، دراختیار نبوده، برکنند و بروند کنار، میدان خالی‌شود ما از میدان کنار رفتن را بامه راضی خودمان می‌دانیم، اما من در ۳۰۷ ماه قبل خدمت امام عرض کرده، ما این را فرار از ضعف می‌دانیم، فرار از ضعف یعنی پشت کردن به میدان مبارزه و جهاد و این از گناهان کبیره است. برای مسئولیت، برای ادای تکلیف برای حفظ فرمان امام، برای اینکه بتوانیم حق اقامه کنیم و باطلی را احاطه کنیم، اما آنهايي که می‌گویند، فقط روحانیون مسئول را می‌گویند، حتی روحانیونی که مشغول کار ارشاد، تبلیغ و هدایتند حتی آنها راه حتی به آنها ایداه می‌کنند، این یک جریانی است، مردم هوشیار باشیید».

مدافعان انقلاب...

مدافعان انقلاب... ۱- احداث ۲۵ درصد از خودروها، نانکها و تاسیسات پادگان یاد شده. ۲- بازود کردن ۲۰ درصد از تاسیسات و تجهیزات پادگان حلبچه در شمال شرقی عراق. ۳- منهدم کردن تاسیسات رادار پالاک و یک ایاب مسافانه سه پاسگاه و یک یک نظامی در جنوب قسری صواد در شرق سلیمانیه. ۴- انهدام چند دستگاه تانک و دو کامیون در شرق سلیمانیه. ۵- انهدام چند سنگر، دو دستگاه کامیون و یک تانک در شمال الحلیه در اطراف صفایه. ۶- حمله به تاسیسات نفتی فلو و اسکله فلو در جنوب شرقی عراق. ۷- حمله به بندر القاسم و بندر جبار و پایگاه دریایی دشمن در جنوب شرقی عراق و یک هکل مخاربی در حسان منطقه که نیزان آسیب وارده ۳۰ درصد بوده است. ۸- نابود کردن ۲۰ دستگاه کامیون و تریلی با حداقل ۴۰ نفر از سرنشینان آنها در اطراف صفایه در شرق عراق. ۹- انهدام دو دستگاه رادار شترک یک قطار حامل سوخت و یک دستگاه مانتین گاز در جنوب پسر. ۱۰- انهدام صد درصد ۱۲ دستگاه تانکر بنزین در گمرک صفلان در جنوب پسر. ۱۱- حمله به تاسیسات نفتی گمرک صفلان و کالاهای شیمیایی موجود در این گمرک. ۱۲- حمله به تاسیسات نفتی حسان در ساعت ۱۹:۳۰ چهار- شته شب، یک فرود هواپیمایی میگ متجاوز عراق، توسط پدافند نیروی ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در پوشش، مورد هدف رافع و شترکون شد. در عملیات درون مرزی، حمله به نیروهای تدارکاتی دشمن در شمال استان و وارد کردن خساراتی به میزان ۷۰ درصد حمله به نیروهای زرهی و توپخانه متجاوزان دشمن، در محور جنوب شرقی آبادان جزو عملیات است. دفتر مرکزی خبر نیز به عملیات از یک مقام مسئول در ستاد عملیات آبادان، گزارش داد که نیرو- های رزمنده جمهوری اسلامی ایران از بهد از ظهر چهارشنبه تا ظهر پنجشنبه، به آتش توپخانه خودمواضع و سنگرهای متجاوزین را در جبهه آبادان درم کوبیدند، بنا به همین گزارش، مسافان قهرمان جمهوری اسلامی ایران موفق شدند «با انهدام یک عملیات هواپیمایی و قهرمانانه، ضمن

مناطق سکونی، مدارس و بیمارستانها و زیران میسازند و مردم غیرنظامی، زنان و کودکان و پیران را هدف اصلی گلوله- های خود قرار میدهند. اکنون، در فضای ایران، طنین خروشان و خشمگین سادران، پدران، هسران و کودکان چاریست، که بستگانشان قریای چنایات صدام شده‌اند. ولی چنایات صدام هر قدر ادامه یابد و دامنه آن هر قدر وسیعتر باشد، رژیم صدام پیشتر و بیشتر در منجلاب چنایات فرو خواهد رفت. راهی که صدام پیروده راه همه چسبازان و چلادان تاریخ است، راهی که سدام میروده به گورستان است. سرانجام خلفای ایران و عراق درم گره خواهند خورد و صدام و رژیم متفروش به همان جا خواهند رفت، که رژیم پهلوی رفت!

آمریکا تلاش می‌کند توجه عمومی را از مسائل سر نوشت ساز جهان معرفی کند

آمریکا دیویس چهار برجسته سرمایه‌دوست آمریکا و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست این کشور، تلاشهای دول فرب را برای خرابکاری در کنفرانس همکاری و امنیت اروپا در مادرید، محکوم کرد. آنجا دیویس گفت آمریکا تلاش دارد توجه عمومی را از مسائل مهم، مانند گسترش روند تشنه‌زدایی، خلع سلاح و جلوگیری از سایه تسلطی متصرف کند. وی یادآور شد اینها مسائلی است که به سر نوشت همه بشریت مربوط می‌شود.

ادامهٔ پاکسازی نخلستانها شمال رودخانهٔ پهنشیر، دشمن را چند کیلومتری به عقب راند

کند. طبق همین گزارش، عملیات تلفات بسیار فیرهای دشمن، آمار دقیقی از آنها وجود ندارد. همچنین بر پایهٔ اخبار اعلام شده توسط صدای جمهوری اسلامی ایران زندگان انقلاب ایران چهارشنبه شب، منابع دشمن را در محور جاده آبادان- ماحضر هدف آتش خود قرار دادند و تلفاتی و دشمن وارد کردند. از خاک عراق در آسوی آوردن رود نیز دشمن با توفخانه دوزخ مناطق مسکونی آبادان را بشدت زیر آتش قرار داد. خبرنگار خبرگزاری پارس به نقل از سخنگوی اجداد گورستان آبادان شمار شهدای (چهارشنبه شب) این شهر را ۱۲ نفر و شمار مجروحان را ۲۱ نفر گزارش کرده است. از سوی دیگر گزارش رسیده حاکیست که مواضع دشمن در خولین شس نیز از (چهارشنبه تا ظهر پنجشنبه) زیر آتش شدید لیرخانه قرار داد. طبق گزارشهای دولتی مرکزی خبر و خبرگزاری پارس، به نقل از استاندار ایلام، چهارشنبه مبارزان همرانی وزارت جمهوری اسلامی ایران، در یک نبرد شجاعانه، ۴۵ نفر از مزدوران و کوهستانی دشمن را در جنوب غربی چنگله در جبهه همران به هلاکت رسانده و تجهیزات آنها را کاملاً نابود کردند. خبرنگار خبرگزاری پارس به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرمانشاه گزارش داد که روز چهارشنبه نبردی که میان نیروهای انقلاب و مزدوران دشمن در منطقه پهباب، واقع شد ۸۰ نفر از مهاجمین کشته و ۴ نفر دیگر اسیر شدند. در این جنگ همچنین یک آشیانهٔ توب و یک تانکر حامل سوخت دشمن، منهدم شد. طبق همین گزارش، در نبرد دیگری که میان پاسداران انقلاب اسلامی و فدائیان امام خمینی از یکسو و مهاجمین پشت از سوی دیگر در منطقه رجب‌آباد، دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد. خبرنگاری پارس از کرمانشاه نیز گزارش میدهد که دلاران سپه شایری اسلام آباد که در جبهه گلان‌غرب مستقرند، در یک عملیات که با هماغس سپاه پاسداران در این جبهه انجام شد، پس از به هلاکت زلساند چند نفر از دشمنان انقلاب، یک دستگاه جیپ، قیبه اسلحه کلاشینکوف و همچنین بیستم متاخراتی آنها را به غنیمت گرفتند».

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تنظیم امر توزیع مواد ضروری کاری است لازم و در دست

اقدامات لازم که دولت جمهوری اسلامی ایران در تنظیم امر توزیع مواد فوق‌العاده ضروری و کثیر-المصرف، نظیر انواع سوخت یا خوراکری چون قند و شکر، میوه و لبن، یا حسن تقاضا همه مردم رزمنده، انقلابی، آزادیخواه و مبین‌دوست کشور روپرو شده است.

جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ است، جنگی که امپریالیسم جهانخواهر آمریکا بوسیله رژیم مزدور صدام تکریتی بنا متحصن کرده است. کشور ما که هنوز از مصائب طاق‌فشارهای طاقوت آذربایسری و عواقب فلاکت‌آر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن کاملاً خلاص نشده بود، از درون و بیرون دچار هجوم گسترده و همه‌جانبه امپریالیسم غارتگر و سکار، پسرگردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن گردید. جنگ تجاوزکارانه رژیم مستکرم صدام تکریتی تنها مرحله‌ای از این هجوم گسترده است. طبیعتاً است که بدون این تجاوز نظامی نیز، نوسازی بنیادی جسم و جامعه یا کسازای انقلاب همه نهادها، اجتماعی از نفوذ عمیق و خانمان-برانداز امپریالیسم خود کاری است پس دشوار، که به باطلت انقلاب، هوشیاری بی‌روسته و مبارزه بی‌شکست نهادهای انقلابی همه مردم رزمنده احتیاج دارد.

پیش از این جنگ تجاوزکارانه، خائنانه و تحمیلی، در دوران

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس:

از تقویت پشت جبهه نباید غفلت شود

پرو امکانات لازم کشت را در اختیار کشاورزان قرار دهید

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکبارگی نمایندگان خواستار کشت به کشاورزان جهت تولید محصولات کشاورزی لازم برای کشور شد. در آغاز این جلسه تاق لوری، اولین سخنران پیش از دستور، ضمن بررسی شرایط کنونی کشور اظهار داشت: «ما هرگز سکوت نخواهیم کرد. برای ما جنگ و داندن مال و شهادت مسئله نیست، اما مسئله‌ای که باید به آن اشاره کنیم، مسئله پشت جبهه است. عزیزان ما در جبهه می‌جنگند و سزاوارند که جان بدهند، ما از تقویت آن جبهه و پر کردن خلاهایی که در آنجا پیش می‌آید، نباید غفلت کنیم.»

وی سپس به لزوم رسیدن به مرز خودکفایی در کشاورزی اشاره کرد و گفت: «به دنبال دستور امام و آیت‌الله منتظری، وزارت کشاورزی باید امکانات در اختیار کشاورزان بگذارد. باید شتر داد. هیئت‌های ۳ نفری می‌گویند دست ما است اما ما به این نرسیده‌ایم. زمین‌ها را که پارسل جزء جنگل‌های مغزوبه بوده، اینها آباد کرده‌اند، ولی امسال از آنها شکایات کرده‌اند. حالا این کشاورز کجا را باید آباد کند، یا کدام زمین را زمینداران بزرگ، زمین‌ها را باید رها کند و رفته‌اند کشاورزان را پای گل آورد دست خالی می‌مانند. به دادگاه‌ها کشانده‌اند. جی را کشت کنند؟ به کسانی وام کشاورزی داده می‌شود که سند داشته باشند! همین که اعلام بکنیم، کافی نیست. وام را تاجر می‌گیرد تا در تاجرخانه‌ها بپوشان بر سرمایه‌داری بی‌اثر و آفت‌کشاورزان با پای گل آورد دست خالی می‌مانند. لاق لوری سپس خواستار رسیدگی سریع به این مسئله شد. موسوی تبریزی، دومین سخنران این جلسه، در زمینه دادگاه‌های انقلاب و شرکت خود در دادگاه‌ها به‌منزوان قاضی سخن گفت، او که به دنبال اعتراض بعضی از نمایندگان به شرکت نماینده قوه مقننه در امری که مربوط به قوه قضائیه است، صحبت کرده از جمله اظهار داشت:

«هن از آغاز مجلس، هم اینجا بودم و هم در دادگاه تبریز و هم قاضی شرع در جریان میثاق و کس آیدان بودم. چرا آنوقت صحبت

نکردید؟ چطور این عداوتخواهی فقط به یک فرد، یک سرمایه‌دار و یک گروه سیاسی خاص می‌رسد؟ خوب گردید اعتراض کردید، ولی چطور شد در موارد دیگر حرفی نزدید؟ اگر قبلاً گفته بودید ما از شورای نگهبان می‌خواستیم مسئله را روشن کنند، من می‌گویم همه باید در نظر ما مساوی باشند و هر کس مورد تظلم قرار گیرد، از او دفاع شود.»

دستگیری ماساها الله قصاب

موسوی تبریزی سپس ضمن تشریح چند اصل قانون اساسی در ارتباط با این مسئله، خواستار اعلام نظر شورای نگهبان قانون اساسی در این مورد شد.

وی سپس اعلام کرد که در ارتباط با شکایات سادات، ماشااله قصاب دستگیر شده است و بزودی محاکمه خواهد شد. او سپس در ارتباط با این سؤال که چرا این دادگاه علنی نیست، به مطالب روزنامه‌ها استناد کرد و گفت:

«سخنرانان روزنامه‌های داخلی و خارجی و خانواده متهم در این دادگاه شرکت می‌کنند. کجای این غیر علنی است؟»

سخنران دیگر قبل از دستور امامی گلشانی بود، او ضمن سخنانی به تیزوری انقلابی، تغییر رئیس جمهوری آمریکا و نیازهای روز مملکت اشاره کرد.

پس از پایان سخنان امامی گلشانی، رئیس مجلس به واقعه تاسف‌انگیز فوت خواهر امام خمینی اشاره کرد و به ایشان تسلیت گفت. آنگاه مجلس وارد دستور شد و بررسی طرح قانونی اداره هوا و سیاهی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. در این زمینه مواد ۲ و ۱۰ این طرح مطرح گردید. ابتدا ماده ۱۰ طرح شد و چند موافق و مخالف در این مورد صحبت کردند. سپس اصل ماده ۱۰، که مربوط به مسئولیت شورای سرپرستی در برابر مجلس است به تصویب رسید. آنگاه ماده ۲، که مربوط به نحوه انتخاب نمایندگان قوای سه‌گانه است مطرح شد.

قبل از بحث در مورد این ماده، مجلس پندت ده دقیقه برای نفس تطیل شد، لیکن پس از این مدت جلسه مجلسی غیر علنی شد و مجلس به این صورت به کار خود ادامه داد.

مشروح و واقعیت‌ها در جهت محکوم کردن تجاوز عراق و چنانچه که ارتش عراق در توماس اشغالی خود در ایران ایجاد کرده، اطلاع ایوه سولسدگسان رساندند. نماینده سفارت عراق برای ضعیف کردن این توضیحات، که اثر عمیقی در شنودگان گالی گذاشته بود، از این شکرگرد استفاده کرد که حملات خود را صرفاً متوجه نماینده کمونیستی عراقی کرد و گفت:

«من درباره گفتار نماینده ایران و خبرنگار ایتالیایی حرفی ندارم، گرچه آنها حقیقت را بازگو نکردند. ولی نمی‌توانم تفرخود را نسبت به این سخنان عراقی، که بیجا دفاع از مین خود، در خارج از کشور پسر میبرد و علیه کشور خود تبلیغ میکنند ابراز ندامت.»

این گفتار تحسیر آمیز، عصبانیت توده شنونده را علیه عراق متجاوز شدت برانگیخت. چند نفر از نمایندگان کمونیست ایتالیایی اجازه صحبت خواستند و یکبارگی تجاوز عراق را محکوم کردند و گفتند: ما هم در دوران تسلط فاشیسم در کشورمان، ایتالیا، چه در دوران کودتای در مهاجرت، می‌جنگیدیم تا رژیم فاشیستی موسولینی را سرنگون سازیم، و همین علت ما مبارزه این ضد فاشیست‌های عراقی را عدولانه میدانیم و امیدواریم که آنها هم هرچه زودتر موقف شوند رژیم فاشیستی صدام‌محسین را در عراق سرنگون سازند.

این گفتارها با شور و هیجان مخصوص مردم خونگرم ایتالیا مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت. در نتیجه مأمورین «دولت» عسکران مجبور شدند با سرافرازدگی گردن هم‌آبی را ترک گویند.

خلیان جوان ایرانی:

ما با مردم عراق نمی‌جنگیم و هرگز نقاط مسکونی شهرها را بمباران نخواهیم کرد

هر قدر ما اصرار کردیم به ما اجازه دهند که با این اسیران صحبت کنیم، عراقیها زیربار رفتند. در همان ساعاتی که در آنجا بودیم، هواپیمای نیروی هوایی ایران حملاتی به شهر بزدان و در در این حمله، پس از بمباران ناحیه بندری یکی از این هواپیماها مورد اصابت قرار گرفت. پس از یک ساعت خلیان این هواپیما را که اسیر کرده بودند، به پایتختی آوردند که ما مخیرین در آنجا بودیم. باز هم مأمورین اطلاعات عراق می‌خواستند در مفر ما خبرنگاران را بکشند که گویا هواپیماهای ایرانی نقاط مسکونی شهر را بمباران کرده‌اند.

هیئتیکه افسر خلیان اسیر ایرانی، که جوانی ۲۲-۲۳ ساله بود و با قدمهایی پر از فرودگاه برمی‌داشت، بما نزدیک شد، یکی از خبرنگاران فرصت را غنیمت شمرد و بدون اجازه مأمورین عراقی به او نزدیک شد و بزبان انگلیسی از او سؤال کرد: «آیا درست است که شما نقاط مسکونی را بمباران کرده‌اید؟» خلیان جوان ایرانی بزرسان انگلیسی پاسخ داد: «ما با مردم عراق نمی‌جنگیم و هرگز نقاط مسکونی شهرها را بمباران نخواهیم کرد.» این خبرنگار می‌گفت: «این جمله کوتاه لاین خلیان

نامه مردم

از کان کزنی تهیه و توزیع در اداره امتیاز و مدیر مسئول: توحیر بهزادی خیابان ۱۶، آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM	
No. 371	
15 November 1980	
Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

توجه! نوشته‌های زیر، که در شماره‌های اخیر نامه مردم چاپ و رسیده است، برای مطالعه ویژه رفاقت توصیه می‌شود: - نوالدین کجاوری: پرسش و پاسخ (شماره‌های ۳۶۵-۳۶۶) (۳۶۶) - کس‌حال: روند تاسیخ بازگشت‌ناپذیر است (شماره ۳۶۸)

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران